

A Review of the Development of Mechanisms in the Light of International Environmental Law

Sobhan Tayebi¹

مروری بر توسعه سازوکارها در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست

سبحان طیبی^۱

1 - PhD in International Environmental Law and Lecturer
University of Science and Research
sobhantayebi@yahoo.com

^۱ - دکتری حقوق بین‌الملل محیط زیست و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
sobhantayebi@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-2668-8574>

Abstract

One of the important issues that is addressed is the explanation of the topics and the basic principles of modern new studies in international environmental law. In this way, Due to the necessity and deepening in the discussion of development and mechanisms, this research has focused on the context of evolution, sourceology, foundationalism and the mechanism of following treaties. This study seeks to answer the question that what kind of effect, the sources of international environmental law have on the development process of mechanisms? Hence, the research hypothesis, considering the mechanism of compliance and implementation, refers to reactions and initiatives of law, legal and treaties based on the sources of international environmental law and the two-way impact on the process and development of mechanisms. The results of this study, in deed are binding up the treaty framework program by strengthening institutional mechanisms. The present study, while outlining the evolution of international environmental law, is based on the finding that existing mechanisms play a significant role in protecting and preserving the environment. In this way, this research deals with the process of development of international environmental law with the aim of explaining the dimensions of related mechanisms.

Keywords: International Law, Environment, Sustainable Development, Principles, Treaties.

چکیده

تبيين مباحث و مباني بنیادین مطالعات نوین حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله مسائل مهمی است که به آن پرداخته می‌شود. در این راستا، به سبب ضرورت و عمیق شدن در بحث توسعه و سازوکارها، این پژوهش بر بستر سیر تحول و تطور، منبع شناسی، مبنائگرایی و مکانیسم پیروی معاهداتی انجام پذیرفته است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست چه تاثیری بر روند توسعه سازوکارها دارد؟ از این رو فرضیه پژوهش با امعان نظر به مکانیسم پیروی و اجراء به واکنش‌ها و ابتکارات حقوقی، قانونی و معاهداتی بر اساس منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست و تاثیر دوسویه بر روند و توسعه سازوکارها اشاره دارد. نتیجه حاصل از این پژوهش، در واقع الزام بخشیدن به چهارچوب‌های معاهداتی نرم از طریق تقویت سازوکارهای نهادینه است. پژوهش حاضر ضمن ترسیم روند تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست، بر این یافته استوار است که سازوکارهای موجود نقشی به سزا در حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد. در این راستا، این پژوهش با هدف تبیین ابعاد سازوکارهای مربوطه، به روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، محیط زیست، توسعه پایدار، اصول، معاهدات.

Received:2019/12/29

Review: 2020/07/28

Accepted:2020/09/16

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ - بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸ - پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

مقدمه

رشد جهانی نگرانی‌های عمومی در خصوص محیط زیست، یکی از مهم‌ترین تحولات در دهه‌های اخیر بوده است. پدیده جهانی‌سازی، به متصل شدن جوامع و سرنوشت محیط زیستی آن‌ها، به شکلی بی‌سابقه کمک شایانی کرده است. در عین حال مشکلات محیط زیستی به شکل فزاینده‌ای از مرزهای ملی فراتر رفته و خسارات قابل توجهی به سلامت زمین وارد کرده است. از این رو، توسعه و تدوین قوانین و نظام‌های حقوقی موثرتر در خصوص محیط زیست در سرتاسر جهان به مسئله‌ای بحرانی برای جهت‌دهی رشد و توسعه اقتصادی در مسیر پایداری محیط زیستی تبدیل شده است. با این حال، واکنش‌ها در این زمینه به شکل قابل ملاحظه‌ای مترقی بوده است. بسیاری از کشورها اکنون به دنبال پیاده‌سازی ابتکارات حقوقی و قانونی ملت‌های دیگر هستند. بسیاری از اقدامات نظارتی و حقوقی ملی نیز دربردارنده شباهت‌های کارکردی و زیرساختی می‌باشند که حاکی از همگرایی رو به رشد حول چند رویکرد اساسی موجود نسبت به مقررات گذاری محیط زیستی است. در این راستا، حقوق بین‌الملل محیط زیست مجموعه‌ای از شیوه‌ها و اصول حقوقی است که دستگاه‌های نظارتی ملی، بین‌المللی و فراملی فعال در خصوص محیط زیست از آن برای محافظت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی استفاده می‌کنند. بنابراین، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از مجموعه‌های مختلفی از اصول بنیادی، مفاهیم قاعده مند و رویه‌ها تشکیل شده است که در سطوح ملی و بین‌المللی حائز اهمیت است. این مجموعه شامل موارد زیر می‌شود: حقوق بین‌الملل محیط زیست که به مجموعه معاهده‌ها و اصول حقوق بین‌الملل اشاره دارد که بر روابط بین ملت‌ها حاکم است؛ حقوق داخلی محیط زیست که به اصول استفاده شده توسط دولت‌های ملی برای مدیریت و نظارت بر رفتار افراد، سازمان‌ها و موسسات ملی دولتی در داخل مرزهای یک کشور اشاره دارد؛ و حقوق فراملی که به مجموعه‌ای از اصول حقوقی استفاده شده برای نظارت فرامرزی بین افراد و سازمان‌ها دلالت دارد (Yang & Percival, 2009, 616).

در خصوص حفاظت از محیط زیست تلاش‌های همه جانبه و همه سویه در سطح جهانی برای این مهم و تحقق توسعه سبز انجام پذیرفته است. توجیه دیگر برای اقدام در سطح بین‌المللی تلاش برای جلوگیری از منازعات بین دولتی بر سر منابع نایاب یا پایان یافته و یا عواقب رخدادهای مرتبط با آلودگی فرامرزی می‌باشد (Kiss & Shelton, 2007, 194).

برخورداری از محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین افراد است که مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. علاوه بر اشخاص خصوصی که موظف به جلوگیری از آلودگی محیط زیست هستند، نهادهای دولتی هم در این حوزه دارای مسئولیت هستند. حفاظت از محیط زیست مستلزم حاکمیت یک سری اصول بر عملکردها و نیز مبنای موثر مسئولیت در قبال خسارات زیست محیطی است. نقش قوانین کیفری و مرجع مربوطه یعنی دستگاه قضا در این حوزه شامل نظارت و پیشگیری فراگیر و فعالانه،

تعقیب فراگیر و فعالانه و اقدامات قضائی موثر می‌باشد. اما در راستای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از بروز خسارات محیط زیستی، راهکارهای غیرکیفری با محوریت فرهنگ سازی و آموزش را می‌توان به عنوان ابزارهای موثرتر دانست. علاوه بر این ما نیازمند شناسایی نمای کلی از زیست کره هستیم و در این خصوص در روند ایجاد پیمان جهانی بایستی جنبه‌های ذیل مدنظر و به رسمیت شناخته شود: توسعه بیشتر قوانین بین‌المللی در مورد توسعه پایدار و توجه ویژه به توازن بین نگرانی‌های زیست محیطی و توسعه. لزوم شفاف سازی و تقویت رابطه بین ابزارها یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی موجود در زمینه محیط زیست و موافقت‌نامه‌ها یا ابزارهای اجتماعی و اقتصادی مرتبط با در نظر گرفتن نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه. در سطح جهانی، اهمیت اساسی مشارکت و مشارکت همه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه برای معاهدات در حوزه حقوق بین‌الملل در توسعه پایدار. کمک فنی به کشورهای در حال توسعه در زمینه تلاش‌های خود برای ارتقاء توانایی‌های قانون گذاری ملی خود در زمینه قوانین زیست محیطی. پروژه‌های آینده برای توسعه مترقی و رمزگشایی قوانین بین‌المللی توسعه پایدار. هر گونه مذاکره برای پیشرفت مترقی و رمزگشایی قوانین بین‌المللی در رابطه با توسعه پایدار با در نظر گرفتن شرایط ویژه در مناطق مختلف به صورت جهانی.

به هر ترتیب، بسیاری از ابزارها و موافقت‌نامه‌های حقوقی بین‌المللی موجود در زمینه محیط زیست بدون مشارکت و مشارکت کافی از کشورهای در حال توسعه ایجاد شده‌اند. بنابراین ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشد تا نگرانی‌ها و منافع کشورهای در حال توسعه را منعکس کند و حکمرانی متعادل از این قبیل را فراهم کند. در این راستا ضمن مرور بر مباحث پیرامونی حقوق بین‌الملل محیط زیست بنای این پژوهش بر آن استوار گردیده که ساختارمندی حقوق بین‌الملل محیط زیست تشریح و ذهن مخاطب برای آینده سبز پایدار تشحیذ گردد.

۱- سیر تحول و تطور حقوق بین‌الملل محیط زیست

۱-۱- معاهدات اولیه

قبل از قرن نوزدهم، تعدادی از کشورها اقدامات گسترده‌ای در خصوص رسیدگی به آلودگی‌ها و مخاطرات محلی همچون آلودگی صوتی، آلودگی آب و هوا انجام داده‌اند. اولین توافقات بین‌المللی با منابع مشترک زندگی سروکار داشتند و در قرن نوزدهم ظهور کردند که شامل انعقاد معاهدات بین‌المللی مربوط به ماهیگیری و توافقات برای محافظت از گونه‌های گیاهی مختلف می‌باشند. هدف اصلی این توافقات، پایدار کردن بهره‌مندی از گونه‌های اقتصادی ارزشمند بود. این کار مستلزم اقدام بین‌المللی بوده، چرا که بسیاری از گونه‌های مهاجرتی و یا در مناطقی خارج از مرزهای ملی همچون دریا سکونت داشته‌اند (Albrecht&other,2008,73). این معاهدات شامل موارد زیر می‌شوند: معاهده جی (انگلستان-

آمریکا) در خصوص دریاچه‌های بزرگ در سال «۱۹۷۴»^۱. معاهده حقوق ماهیگیری (فرانسه- انگلستان) در سال «۱۸۶۷»^۲. موافقت نامه تسهیم موقتی خوک‌های آبی در دریای برینگ (آمریکا- انگلستان) در سال «۱۸۹۱»^۳. کنوانسیون حمایت از پرندگان مفید در کشاورزی (آمریکا- کانادا) در سال «۱۹۰۲»^۴. معاهده آب‌های مرزی (انگلستان- کانادا) در سال «۱۹۰۹»^۵. کنوانسیون بین‌المللی نظارت بر صید وال در سال «۱۹۳۱»^۶. با این حال، چندین کنوانسیون دیگر با اهداف بوم‌شناسانه^۷ دیگر تنظیم شده بودند که تنها بر روی مسائل خاص نظارت داشتند و لذا اثر محدودتری داشتند (Albrecht & other, 2008, 77). کنوانسیون حفاظت از گونه‌های وحشی حیوان که در آفریقا زندگی می‌کنند و بی‌خطر هستند یا برای انسان‌ها سودمند هستند در سال «۱۹۰۰»^۸. کنوانسیون حفظ گیاهان و جانوران در حالت طبیعی در سال «۱۹۳۳»^۹. کنوانسیون حمایت از طبیعت و زندگی وحشی در نیم‌کره غربی در سال «۱۹۴۰»^{۱۰}.

نکته ای که بایستی به آن اشاره شود این است که تا قبل از سال ۱۹۷۲ حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست توسعه چندانی نیافته بود. اگر چه چندین معاهده محیط زیستی وارد مرحله عملی شده بود. جنبه های حائز اهمیت این که آلاینده‌های شیمیایی پرخطر، آلودگی هوای بین مرزی، تغییرات اقلیمی، از بین رفتن لایه اوزون در هیچ یک از معاهده‌های بین‌المللی آن زمان مطرح نبودند (Kiss & Shelton, 2007, 202).

۱-۲- کنفرانس استکهلم

کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ برای بررسی محیط‌زیست انسان در کشور سوئد برگزار شد. این کنفرانس تحت تاثیر بحث‌های پیرامون وضعیت محیط‌زیست، به طور خاص در آمریکا و بعدها در اروپا قرار داشت. این کنفرانس در ابتدا از ایده «باشگاه رم»^{۱۱}، با عنوان «مرزهای رشد» نشأت گرفت که تصویری آخرالزمانی از دنیا ارائه کرده بود. این کنفرانس به عنوان یکی از سازمان‌یافته‌ترین و مستندترین نشست‌های ملل متحد در آن دوره قلمداد می‌شد که یکصد و چهارده عضو از یکصد و سی و یک عضو

1- Jay-Treaty (US - UK) on the Great Lakes on 1794

2- Treaty on Fishery Rights (France - UK) on 1867

3- Agreement on the modus vivendi on Seals in the Bering-Sea (US-UK) on 1891

4- Convention to Protect Birds Useful to Agriculture (USA - Canada) on 1902

5- Boundary Waters Treaty (Canada - UK) on 1909

6- International Convention on the Regulation on Whaling on 1931

7- Ecology

8- Convention destinée à assurer la conservation des diverses espèces animales vivant à l'état sauvage en Afrique qui sont utiles à l'homme ou inoffensives" on 1900

9- Convention Relative to the Preservation of Fauna and Flora in the Natural State on 1933

10- Convention on Nature Protection and Wild Life Protection in the Western Hemisphere on 1940

۱۱- باشگاه رم Club of Rome یک اندیشکده بین‌المللی است که برگزاری جلسات اندیشه‌ورزی در خصوص مجموعه متنوعی از مسائل

کلان جامعه بشری را در دستور کار خود قرار داده است. این اندیشکده در سال ۱۹۶۴ تأسیس گشت و در سال ۱۹۷۲ به واسطه چاپ

گزارش معروف خود به نام مرزهای رشد به شهرت رسید.

ملل متحد در آن شرکت داشتند (Scanlon & Buhenne-Guilmin, 2004, 14). در این نشست دیدگاه‌های مختلف از مشکلات محیط‌زیست مطرح شد (Albrecht & other, 2008, 89).

| تخریب محیط زیست یکی از جدی‌ترین مشکلات است. | کشورهای توسعه یافته |
|---|---|
| <p>- مقابله با فقر که عامل آلودگی است؛</p> <p>- نارضایتی از این مسئله که کشورهای توسعه یافته بخش عظیمی از منابع طبیعی زمین را استفاده کرده‌اند و اکنون از کشورهای در حال توسعه می‌خواهند که در وضعیت فقر خود باقی بمانند و بهای بازیابی و حفظ زمین را پرداخت کنند.</p> <p>- استانداردهای زیست‌محیطی جدید مانع ورود اقلام و کالاها از بازارهای کشورهای توسعه یافته می‌شوند.</p> | <p>این دسته از کشورها اولویت‌بندی‌های متفاوتی داشتند (گروه ۷۷)، که به این شرح است:</p> |
| <p>- توسعه اقتصادی الزاما با محافظت از محیط زیست در تضاد نیست.</p> <p>- توسعه و رشد تنها در صورتی قابلیت پیاده‌سازی دارد که از آسیب به محیط زیست جلوگیری کند.</p> | <p>با این حال و با وجود این پیش‌زمینه، متن بیانیه استکهلم به شاهکار دیپلماسی تبدیل شد، که در نهایت منجر به این موارد شد:</p> |
| <p>- مسئولیت در قبال نسل‌های آتی (اصل‌های اول، دوم و پنجم).</p> <p>- حقوق جدید برای داشتن محیط زیست با کیفیت (اصل اول).</p> <p>- حق دولت‌ها برای بهره‌وری از منابع خود متعاقب سیاست‌های زیست‌محیطی و نه توسعه‌ای آن (اصل بیست و یکم).</p> <p>- کشورها و دولت‌ها باید برای تدوین و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت و جبران خسارت آسیب‌های فراسرزمینی با یکدیگر همکاری کنند (اصل بیست و دوم).</p> | <p>بیانیه استکهلم بیست و شش اصل دارد که به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان و دولت‌ها در خصوص حفظ و پیشرفت محیط رسیدگی می‌کند. این بیانیه شامل این موارد می‌شود:</p> |
| | <p>کشورهای در حال توسعه</p> |

به لطف معاهدات زیست‌محیطی شکل گرفته پس از همایش استکهلم، ایده خلق ساختار برنامه محیط زیست ملل متحد^۱، اولین سازمان بین‌المللی با منشور کار انحصارا محیط زیستی پایه‌ریزی شد.

۱-۳- کنوانسیون ملل متحد در خصوص حقوق دریاها^۲

مذاکرات بر سر حقوق دریاها قبل از کنفرانس استکهلم صورت پذیرفت. با این حال، این کنوانسیون در سال ۱۹۸۲ برای اخذ امضاء مطرح شد و در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد. این معاهده بسیار مهم را به لحاظ چهارچوبی برای قوانین و مقررات دیگر و تمهیدات عمومی نسبت به شفاف‌سازی بیشتر توافقات می‌توان کنوانسیون چتر^۳ قلمداد کرد. کنوانسیون حقوق دریاها یکی از قوی‌ترین معاهدات زیست‌محیطی به حساب می‌آید. این معاهده ماهیتی بنیادی و فراگیر در خصوص حقوق اقیانوس‌ها دارد. این معاهده در مجموع سیصد و بیست ماده تمهیداتی دارد که پنجاه و نه مورد از آن‌ها با پیش‌زمینه‌های زیست‌محیطی سروکار دارد. این معاهده عرفی تنظیم‌کننده قانون در خصوص نحوه بهره‌وری از اقیانوس‌ها و برای طرفین امضاءکننده و طرفین غیرامضاءکننده قابل اعمال است.

۱-۴- کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه یا همان کمیسیون برانتلند در سال ۱۹۸۳ توسط مجمع عمومی ایجاد شد تا استراتژی زیست‌محیطی بلندمدتی برای توسعه پایدار ایجاد کند. این کمیسیون یک نهاد مستقل به حساب می‌آید که به نظام ملل متحد ارتباط دارد اما خارج از آن واقع شده است. رسالت آن ایفای نقش کلیدی برای ایجاد توازن بین دو موضوع مهم است: پیشنهاد و ارائه بسترهای جدید برای همکاری در جهت تاثیرگذاری بر روی سیاست‌ها به سمت تغییرات مطلوب و افزایش سطح درک و تعهد عملی افراد، سازمان‌ها، تجارت‌ها و دولت است. در گزارش «آینده مشترک ما» توسط برانتلند در سال ۱۹۸۷، موارد زیر ارائه و نتیجه‌گیری شد: رشد اقتصادی تنها در بستر توسعه پایدار مطلوب و شدنی است؛ پایداری به معنای استفاده از منابع زیست‌محیطی به گونه‌ای است که بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهای خود، پاسخگوی نیازهای نسل فعلی باشد.

این نتایج حاکی از نیاز به رویکردی جامع به ایجاد سیاست‌ها و پروژه‌های دارد که از نظر زیست‌محیطی باید منجر به توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باشد. گزارش کمیسیون بر نیاز به اهمیت بیشتر به پیش‌بینی و جلوگیری از مشکلات تاکید داشت و «توسعه پایدار» را به عنوان فرآیندی معرفی کرد که اهداف توسعه‌ای و زیست‌محیطی فعلی و آتی را پاسخگو باشد. این گزارش در نهایت خاطر نشان کرد که بدون تسهیم عادلانه هزینه‌ها و مزایای محیط زیست در درون و بین کشورها، موجب تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نمی‌گردد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۳).

1- UNEP

2- UNCLOS

3- Umbrella Convention

۱-۵- کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه (UNCED)

گزارش برانتلند به گردهم‌آیی جهانی دوم در خصوص محیط‌زیست در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل منجر شد. اسم همایش منعکس‌کننده تغییر رویکرد از روند استفاده شده در کنفرانس استکهلم در خصوص محیط‌زیست انسان است (Kiss&Shelton,2007,217). این کنفرانس از تاریخ سوم ژوئن تا چهارم ژوئن سال ۱۹۹۲ برگزار شد. در این همایش سی هزار نماینده از یکصد و هفتاد و شش کشور و یکصد و سه رئیس‌جمهور و بیش از هفتصد هزار سازمان مردم‌نهاد^۱ به عنوان شاهد رسمی کنفرانس حضور داشتند (Albrecht&other,2008,109).

دو متن تصویب شده در این کنفرانس بیانیه محیط زیست و توسعه^۲ و یک برنامه عملیاتی به نام دستورکار ۲۱ بوده که خود بیانیه یک اعلامیه کوتاهی است که مشتمل بر بیست و هفت اصل و ماهیت مرکب دارد که تاریخ حقوقی آن نیز گویای همین امر است (Kiss&Shelton,2007,219). این بیانیه در اصل منعکس‌کننده همایش استکهلم ۱۹۷۲ است و قصد دارد مبتنی بر آن، حفاظت از محیط زیست را ایجاد کند اما رویکرد و فلسفه آن متفاوت است. مطلب و ایده اصلی این بیانیه توسعه پایدار بود که مشابه آن قبلاً در گزارش برانتلند تعریف شده بود و مفاهیم حفاظت از محیط زیست و توسعه را ترکیب کرده است. اصل چهارم این بیانیه به بسط این موضوع کمک کرده و بیان می‌دارد که برای رسیدن به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید بخش مهمی از فرآیند توسعه را به خود اختصاص دهد و نباید این دو موضوع را به شکل مستقل مورد نظر قرار داد (Albrecht&other,2008,113).

سند دوم تصویب شده در این کنفرانس دستورکار ۲۱ است، که موارد استثنای زیادی را در خصوص مسائل زیست‌محیطی در صورتی که مسائل توسعه‌ای از اولویت بیشتری برخوردار باشند را «مجاز» شمرده است. این برنامه چهار حوزه اساسی دارد: ابعاد اجتماعی-اقتصادی (از جمله زیستگاه‌ها، بهداشت، جمعیت‌شناسی، مصرف و الگوهای تولید)، مدیریت منابع و حفاظت از آن‌ها (مانند جو، جنگل، آب، زباله و فرآورده‌های شیمیایی)، تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و سایر گروه‌های اجتماعی (مانند اتحادیه‌های صنفی، زنان و جوانان). اقدامات و تمهیدات اجرایی (UN Sustainable development Agenda21,1992).

در مجموع، می‌توان ابراز کرد که اسناد ریو مفاهیم حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی را در توسعه پایدار ترکیب کرده است. این مفهوم از آن جهت قابل درک است که چالش‌های بسیار زیادی در حفاظت از محیط وجود دارد و شکاف بین «شمال و جنوب» از لحاظ سرمایه و منابع دیگر، چالش‌ها و مشکلاتی در وضع هنجارها و استانداردهای مشابه در میان توافقات بین‌المللی به وجود آورده است. از این رو، نگرانی نسبت به رشد اقتصادی در نظام اقتصادی بین‌المللی باعث مقابله با موانع تجاری اتخاذ شده

1- NGO

2- Declaration on Environment and Development

برای حفاظت از محیط‌زیست می‌شود. اگر چه در ابتدا بسیاری از محققان و فعالان این عرصه اهمیت اسناد حقوقی اجلاس ریو را زیر سوال بردند، اما دو معاهده و بیانیه صادر شده دستاورد بزرگی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به حساب می‌آید. چندین اصل بیانیه نهایی از جمله مشارکت عمومی، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، احتیاطی، اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری و اطلاع‌رسانی قبلی و مشاوره در مورد پروژه‌هایی که به طور بالقوه می‌توانند بر محیط‌زیست سایر کشورها تأثیر بگذارد، از زمان ریو در بسیاری از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و غیرالزام‌آور گنجانده شده‌اند و قوانین عرفی در حال ظهور را تشکیل می‌دهند (Kiss&Shelton, 2007, 221).

۱-۶- اجلاس جهانی توسعه پایدار

این اجلاس در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، از ۲۶ آگوست تا ۴ سپتامبر ۲۰۰۲ برگزار شد که در آن‌ها نمایندگان بیش از یکصد و نود کشور، با نیت تأیید تعهدات خود نسبت به اصول اجلاس ریو، اجرای تمام و کمال دستورکار ۲۱ و طرح ارائه شده برای پیاده‌سازی بیشتر دستورکار ۲۱ دور هم جمع شدند. اعضای شرکت‌کننده در این اجلاس همچنین قصد تأیید اراده خود برای «تقبل نقش جمعی در راستای پیشبرد و تحکیم ستون‌های تقویت‌کننده و به هم وابسته توسعه پایدار (توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و محافظت از محیط‌زیست) در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی» مبتنی بر بیانیه توسعه پایدار داشتند (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۶).

در این اجلاس، سطح جدیدی از گفت‌وگو بین سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های اجتماعی و نمایندگان دولتی پایه‌ریزی شد که منجر به موارد زیر شد: بیانیه سیاسی: تأکید بر مسئولیت جمعی، ستون‌های تقویت‌کننده و به هم وابسته توسعه پایدار در سطوح بومی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و معرفی عنصر «توسعه اجتماعی» به عبارت توسعه پایدار. برنامه اجرایی: اهدافی که باید تا سال ۲۰۲۲ تحقق یابند (برآورده کردن نیازهای بهداشتی اولیه افراد، تولید و مصرف مواد شیمیایی غیرمضر، احیای ذخایر ماهی دنیا، کاهش میزان هدررفت تنوع زیستی) و تعمیم دستورکار ۲۱ در مورد ایفاگران غیردولتی، با تکیه بر اهمیت و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشرفت اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی.

در نهایت، سیاست و قوانین زیست‌محیطی باید با عدم قطعیت علمی در مورد بسیاری از ابعاد دنیای حقیقی روبرو باشند. عدم قطعیت علمی غالباً مسائلی در خصوص طبیعت و حوزه تأثیر منفی فعالیت‌های انسانی بر روی محیط‌زیست را به خود جذب می‌کند. علاوه بر این با تشدید عدم قطعیت، آسیب‌های زیست‌محیطی و تخریب اغلب پس از وقوع اقدامات موثر قابل اندازه‌گیری هستند. با این حال بسیاری از تصمیم‌ها را نمی‌توان به قطعیت علمی واگذار کرد (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۱۷).

۲- منبع شناسی حقوق بین‌الملل محیط زیست

مشابه حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی است. منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست با کلیه قوانین بین‌المللی که عموماً در ماده ۳۸ (۱) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ بیان شده، شباهت دارد.

۲-۱- معاهدات

معاهدات یا همان کنوانسیون‌ها، پیمان‌ها، توافقنامه‌ها و پروتکل‌هایی که مطابق کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در چهارچوب حقوق معاهدات تعریف می‌شوند. معاهده در واقع یک توافقنامه بین‌المللی بین دولت‌ها است که به صورت کتبی منعقد شده و تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار دارد، چه در قالب یک سند باشد و چه در قالب دو یا چند سند مرتبط با هر قالب خاص. این تعریف شامل کلیه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی می‌شود که سازمان‌های بین‌دولتی یا غیردولتی در آن عضو هستند و همچنین توافق‌نامه‌هایی که توسط آژانس‌های داخلی منعقد شده‌اند و برای کشورها الزام‌آور نیستند. این معاهدات شامل پروتکل کیوتو، پیمان مونترال، و کنوانسیون وین می‌شود.

به طور کلی، معاهدات معطوف به گذشته نیستند و تنها از همان لحظه‌ای که اجرایی می‌شوند برای دولت‌ها الزام‌آور می‌شوند. برخی از معاهدات پس از یک دوره اجرایی خاص ابطال می‌شوند، اما بسیاری دیگر دوره اعمال‌پذیری بی‌پایانی دارد. در صورتی که به وضوح ابراز نشوند، معاهدات معمولاً برای تمام افراد و مناطقی که دولت بر آن‌ها حاکمیت دارد لازم‌الاجرا می‌شود. در جاهایی که حاکمیت به دلیل اشغال کشور دو دسته شده است که اصلاً حاکمیتی در آن جا وجود ندارد (مثل قطب جنوب)، چالش‌های حقوقی پیچیده‌ای در خصوص حوزه استحفاظی به وجود می‌آید (Kiss&Shelton, 2007, 223).

۲-۲- حقوق بین‌الملل عرفی

دومین منبع مهم حقوق بین‌الملل و در نتیجه حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق عرفی است. قبل از آن که معاهدات اهمیت امروزی خود را کسب کنند، حقوق بین‌الملل عرفی اصلی‌ترین منبع حقوق بین‌الملل به حساب می‌آمد. پس از آن که قواعد از طریق حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته می‌شد، برای تمام کشورها الزام‌آور بود. در ابتدا، حقوق بین‌الملل عرفی به شکل امروزی در متن تعاملات بین کشورهای اروپایی پایه‌ریزی شد (Kurukulasuriya&Robinson, 2006, 189).

عرف بین‌الملل از دو عنصر تشکیل شده است: شیوه‌های دولتی و اجماع حقوقدان‌ها. شیوه‌های دولتی را می‌توان با استناد به چندین منبع به دست آورد، از جمله، تصویب معاهدات، مشارکت در مذاکرات پیمان‌ها و سایر جلسات بین‌المللی، قوانین ملی، احکام دادگاه‌های ملی، آراء و سایر اقدامات در مجمع عمومی، اقدامات در سایر سازمان‌های بین‌المللی، اظهارات وزرا و دیپلمات‌ها، اظهارات دولت‌ها. برای آن که

شیوه‌های دولتی بتواند در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل نقش داشته باشد باید کلی نگر و به معنای مشارکت گسترده نمایندگان حتی در بازه زمانی کوتاه باشد. البته باید به یاد داشت که تمام شیوه‌های دولتی به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی ختم نمی‌شود. در مواقعی که اقدامات دولتی از روی ادب یا راحت‌طلبی است عرف به وجود نمی‌آید، چرا که عنصر مشروعیت قانونی وجود ندارد. در نتیجه، دولت‌ها باید بتوانند الزام‌آوری قوانین خود را تثبیت کند، که این مهم به لطف اجماع حقوق‌دان‌ها انجام می‌شود. وجود این اجماع حاکی از عمومی بودن و با ثبات بودن شیوه دولتی در طول دوره زمانی طولانی است. دو عنصر فوق‌الذکر برای شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی مکمل و ضروری هستند. از آن جایی که حقوق عرفی به حجم زیادی از شواهد برای اثبات نیاز دارد و وجود آن در وهله اول تحت تاثیر ابهامات است، معاهدات از اهمیت روزافزونی برای نظارت بر روابط بین‌المللی بین کشورها تبدیل شده اند (Kurukulasuriya & Robinson, 2006, 194). به عنوان مثال، کنوانسیون حقوق دریا شامل حقوق عرفی می‌شود. حقوق دریاها ابزار کنترل قانونی و جهانی برای مدیریت منابع طبیعی دریایی و کنترل آلودگی ارائه می‌دهد.

۲-۳- اصول کلی حقوق

سومین منبع حقوق بین‌الملل، همانطور که در ماده ۳۸ (۱) (ج) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده است، اصول کلی حقوق است. اصول کلی حقوق به آن دسته مفاهیم و قوانینی اشاره دارد که در سیستم‌های حقوقی مهم جهان یافت می‌شود و برای استفاده در روابط بین‌الملل مناسب هستند (پورهاشمی و پرنده مطلق، ۱۳۹۵، ۴۵).

از آن جایی که چنین قوانینی در حقوق سطح ملی به تصویب رسیده‌اند، انتظار می‌رود که اعمال آن‌ها در حقوق بین‌الملل با کسب رضایت قبلی صورت گیرد. در نتیجه، اصول کلی معمولاً برای پر کردن شکاف‌ها در حقوق بین‌الملل در جریان دادرسی‌های بین‌دولتی استفاده می‌شود (Kurukulasuriya & Robinson, 2006, 136). به هر ترتیب، اصول کلی به عنوان منبع «هنجاری» ابهامات فراوانی دارد و تعریف و موقعیت‌یابی آن در شیوه‌های معاصر دشوار است. این ویژگی ممکن است به نگرش‌های متفاوت نسبت به آن‌ها منجر شود. آن دسته از محققانی که اصول کلی را به عنوان وسیله‌ای برای ارزیابی پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌کنند وابستگی کمتری به مفاهیم سنتی استقلال و حاکمیت دولتی دارند و از سوی دیگر، آن دسته از افرادی که نسبت به اصول کلی ظن و تردید دارند نسبت به ترک نگرش کلاسیک که در آن دولت در کانون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است نیز تردید دارند (Panezi, 2007, 70).

۲-۴- روبه قضایی

چهارمین منبع حقوق بین‌الملل، همان طور که در ماده ۳۸ (۱) (ت) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آمده است، روبه قضایی هستند. روبه قضایی به همراه تعلیمات بهترین و باتجربه‌ترین مولفان از کشورهای مختلف به عنوان ابزار ثانویه برای تعیین قوانین حقوق به حساب می‌آیند (Weeramantry & Burroughs, 2005, 49). تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه‌های بین‌المللی دیگر و تالیفات نویسندگان متخصص در این زمینه، در صورتی که معاهده یا پیمان خاص، حقوق عرفی و اصول کلی در مورد مطلب خاصی ورود نکرده باشند، بسیار موثر است.

۲-۵- حقوق نرم

ماده ۳۸ قصد ندارد که فهرستی کامل از منابع حقوق بین‌الملل ارائه دهد و حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز از این قاعده مستثنی نیست. منابع دیگری نیز وجود دارد که دیوان بین‌المللی دادگستری بعضاً برای ارائه تصمیمات خود به آن‌ها تکیه می‌کند، از جمله مانند اقدامات سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای، قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقررات، تصمیمات و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا. در ضمن، تصمیمات کنفرانس احزاب، و بیانیه‌ها و اعلامیه‌های دیگر می‌تواند به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست کمک کند.

کشورها عموماً بیانیه‌ها و توافق‌نامه‌های هنجاری را در اسناد غیرالزام‌آور یا سیاسی مانند آن چه در بالا ذکر شد می‌گنجانند. این اسناد، که اغلب «حقوق نرم» نامیده می‌شوند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ۵۸)، می‌تواند فشار آوردن مخالفان به داشتن رفتار مناسب را تسهیل کند، چرا که دولت‌ها برای اعمال تغییر در سیاست‌های خود از اهرم‌های سیاسی برای تأثیرگذاری بر دیگران استفاده می‌کنند، اگر چه معمولاً نمی‌توانند از دیگران بخواهند که از هنجارهای قانونی مشابه تبعیت کنند. این تعهدات غیرالزام‌آور می‌تواند حاکی از اراده جامعه بین‌الملل برای حل یک مشکل جهانی مهم بر سر اعتراضات یک یا چند کشور باشد، در حالی که از عدم کسب رضایت نیز پیشگیری می‌کند.^۱

۳- مبنای حقوق بین‌الملل محیط زیست

۳-۱- اصول اولیه حقوق بین‌الملل

اساساً حقوق بین‌الملل با چندین اصل بنیادی سروکار دارد که از اهمیت مشابه‌ای در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخوردار هستند. ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد چهار اصل پایه‌گذاری کرده است که اهمیت بسیار بالایی برای سازمان ملل متحد و کشورهای عضو دارد. این چهار اصل به شرح زیر

۱- در واقع «موانع نظریه‌ای» یا «دکترین» به منظور تسهیل امر مدنظر است و در غیر این صورت همه این ساختارها نقش توسعه‌ای تسهیل‌گر دارند و به دولت‌ها کمک می‌کنند.

است (طیبه، ۱۳۹۶، ۱۹۷): حاکمیت دولت: هر کشور صلاحیت قضایی، حقوقی و اجرایی منحصر به خود را در مورد فعالیت‌های رخ داده در قلمرو خود دارد. مشارکت: الزام به همکاری با سایر کشورها از تفکر عقلانی برای حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود و در پیدایش موافقت‌نامه‌ها و نهادهای بین‌المللی بازتاب پیدا می‌کند، در حالی که از منظر جنبه‌های زیست محیطی می‌توان به معنای بهره برداری منصفانه و استفاده معقولانه از منابع مشترک در سراسر مرزها باشد. دغدغه مشترک بشریت: انسجام هر جامعه ای مبتنی بر یک سیستم ارزش گذاری استوار است و توسط آن حفظ می‌شود. حفاظت از چنین ارزش‌های اساسی به طور کلی به عنوان یک دغدغه مشترک جامعه شناخته می‌شود که اجرای آن از طریق قانون تضمین می‌شود (به عنوان مثال قانون اساسی). با این حال، حق و وظیفه جامعه جهانی برای اقدام در خصوص دغدغه‌های مشترک هنوز هم باید با لحاظ کردن حاکمیت کشورها تعدیل یابد. احترام به حقوق بشر، توسعه اقتصادی و حمایت از محیط زیست در مفهوم توسعه پایدار به عنوان یک از دغدغه‌های مشترک بشریت یک پارچه شده است. میراث مشترک بشر: ماهیت میراث مشترک نوعی اعتماد است که اهداف اصلی آن استفاده انحصاری از اهداف صلح آمیز، بهره‌وری عقلانی با نیت تداوم منابع، مدیریت خوب یا استفاده خردمندانه و انتقال به نسل‌های آینده است. این مزایا ممکن است از طریق تخصیص عادلانه درآمد به اشتراک گذاشته شود، اگر چه ویژگی اصلی این اصل به حساب نمی‌آید.

۳-۲- اصول حقوقی مشترک

هنجارها و اصول جدید در فرآیند حقوق بین‌الملل محیط زیست برای رفع چالش‌های جدید تکامل می‌یابند. اصول می‌توانند خصوصیات اساسی ساختارهای حقوقی و یا طراحی هنجارهای اساسی قانونی را نشان دهند، یا شکاف‌های موجود در حقوق مثبت را پر کنند. یک اصل همچنین می‌تواند جهت‌گیری و مسیر کلی که قانون مثبت باید با آن مطابقت داشته باشد را تعیین کند و بدون این که خود یک هنجار الزام آور باشد منطقی برای این قانون فراهم می‌کند (ماهوتچیان و طیبه، ۱۳۹۸، ۱۰۱).

چندین هنجار قانونی برای کمک به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست که از آن به اصول و مفاهیم یاد می‌کنیم، وجود دارند که چندین مورد از آن‌ها عبارتند از: الف- اصل احتیاطی: این اصل مبتنی بر این ایده است که اگر عواقب عملی نامعلوم باشد، اما اعتقاد بر این است که ممکن است عواقب منفی اساسی یا غیرقابل برگشتی داشته باشد، بهتر است از چنین عملی خودداری شود. این مفهوم به پیشگیری از خطر، اثربخشی هزینه و مسئولیت‌های اخلاقی در راستای حفظ وحدت نظام‌های طبیعی می‌پردازد. اصل احتیاطی به طور گسترده در قوانین بین‌الملل محیط زیست کاربرد دارد (Negrin & others, 2006, 63). به طور کلی، اصل احتیاط را می‌توان به عنوان پیشرفته‌ترین قالب پیشگیری در نظر گرفت که کماکان پایه و اساس کلی حقوق محیط زیست می‌باشد. احتیاط به معنای کسب آمادگی برای تهدیدهای احتمالی در مواقعی است که نمی‌توان آسیب را به طور قطع اثبات کرد. با این حال، این اصل نمی‌تواند از شکل‌گیری تمام خطرهای ادعا شده جلوگیری کند، چرا که این دسته از

ادعاها فاقد هر گونه مبنای علمی هستند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ۱۳۲). به عنوان نمونه، این اصل در پروتکل مونترال در سال ۱۹۸۷ مورد استفاده قرار گرفت، که هدف آن کاهش انتشار آلاینده‌ها^۱ بود. این آلاینده باعث از بین رفتن لایه ازون در جو زمین می‌شد. استفاده از این اصل مبتنی بر شواهد علمی بود که نشان می‌داد برخی مواد به لایه ازون آسیب جدی وارد می‌کنند و بنابراین باید ممنوع و کنترل شوند.

ب- اصل پرداخت توسط آلوده ساز: طرفین آلوده‌کننده باید هزینه خسارت وارده به محیط طبیعی را پرداخت کنند. این اصل در معاهدات بین‌المللی به اندازه اصل احتیاطی پذیرفته نمی‌شود. این اصل قصد دارد که طرفین آلوده‌کننده را نسبت به اقدامات خود در موقعیت پاسخ‌گویی قرار دهد. اصل پرداخت توسط آلوده ساز در واقع به نوعی اصل جبران مافات توسط آلوده‌کننده محسوب می‌شود که درصددتحمیل هزینه‌های زیست محیطی به طرف مسئول آلودگی است. این اصل توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ۲ به عنوان یک اصل اقتصادی و کارآمدترین روش برای تخصیص هزینه‌های اقدامات پیشگیری و کنترل آلودگی توسط مقامات دولتی در کشورهای عضو ارائه شده است. این اصل با هدف تشویق استفاده منطقی از منابع کمیاب محیط زیست و جلوگیری از تحریف در تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تدوین شده است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ۱۳۵).

پ- توسعه پایدار: توسعه پایدار به عنوان «توسعه‌ای که نیازهای حال را برآورده سازد بدون آن که توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود را با تهدید روبرو کند» تعریف شده است. این مفهوم در نشست اجلاس سران ریو در سال ۱۹۹۲ مطرح که در آن، موارد زیر ابراز گردید: انسان‌ها حق دارند زندگی سالم و مفیدی همگام با طبیعت داشته باشند. توسعه اقتصادی امروز نباید توسعه و نیازهای زیست محیطی نسل‌های آینده را تضعیف کند.

توسعه پایدار با مشکل تخریب محیط زیست که عمدتاً ریشه انسانی دارد، دست و پنجه نرم می‌کند. تخریب محیط زیست هنگامی رخ می‌دهد که بهره‌وری انسان از منابع تجدیدپذیر با سرعتی بیشتر از توانایی طبیعت برای جایگزینی مجدد آن‌ها اتفاق بیفتد. با این حال، اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ نه تنها بر ادغام مفهوم رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست، بلکه بر ریشه کن کردن فقر و مشکلات اجتماعی نیز تأکید داشت. در اوایل سال ۲۰۰۲، اولین تلاش برای تعریف توسعه پایدار فعلی در ماده ۳ (۱) (الف) کنوانسیون همکاری در زمینه حفاظت و توسعه پایدار محیط زیست دریایی و ساحلی شمال شرقی اقیانوس آرام (کنوانسیون آنتیگوا)^۲ آمده است: برای اهداف این کنوانسیون، توسعه پایدار به معنای فرآیند تغییر تدریجی در کیفیت زندگی انسان‌ها است که آن را با استفاده از رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی و تبدیل روش‌های تولید و الگوهای مصرف در مرکز و کانون موضوع توسعه

1- CFC

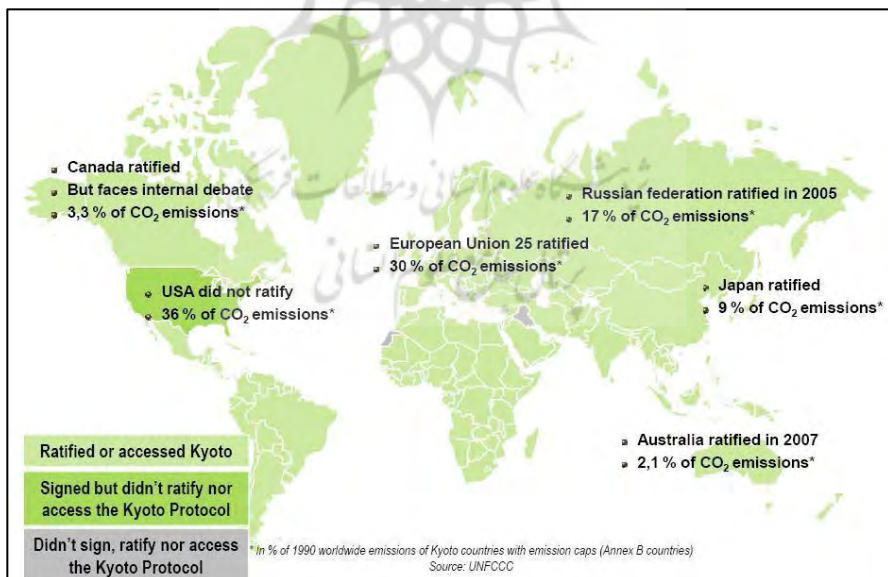
2- OECD

3- Convention for Cooperation in the Protection and Sustainable Development of the Marine and Coastal Environment of the Northeast Pacific (Antigua Convention, 2002).

قرار می‌دهد. توسعه پایدار در تعادل زیست محیطی و پشتیبانی حیاتی منطقه، پایداری خود را کسب می‌کند. این روند به معنای احترام به تنوع قومی و فرهنگی منطقه‌ای، ملی و محلی و مشارکت کامل مردم در همزیستی مسالمت آمیز و همگام با طبیعت، بدون تعصب و تضمین کیفیت زندگی نسل‌های آتی است.

۳-۳- مکانیسم پیروی معاهداتی: مورد پروتکل کیوتو

پروتکل کیوتو یک معاهده بین‌المللی زیست محیطی با هدف دستیابی به «ثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو زمین در سطحی که مانع تداخلات خطرناک انسانی با سیستم آب و هوایی شود» می‌باشد. این معاهده در سال ۱۹۹۷ در کیوتو ژاپن مورد مذاکره قرار گرفت و در فوریه ۲۰۰۵ به اجرا درآمد. تا ژانویه ۲۰۰۶، یکصد و شصت کشور جهان پروتکل کیوتو را امضاء و تصویب کرده‌اند. کشورهایی که پروتکل را امضاء و تصویب کرده‌اند در یک توافق و چهارچوب حقوقی قرار دارند، اما کشورهایی که فقط امضاء کرده‌اند و تصویب نکرده‌اند، هیچ توافقی ندارند. با این حال، اعضای این پروتکل بر روی سه موضوع به توافق رسیده‌اند (Negrin&others,2006,79): بیشترین سهم انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای از کشورهای توسعه یافته است. با سرانه، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه نسبتاً کم است. سهم انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی در کشورهای در حال توسعه برای پاسخ گویی به نیازهای اجتماعی و توسعه افزایش پیدا خواهد کرد.



هدف اصلی پروتکل کیوتو، کاهش انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای و تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی تعیین شده است. این امر از ورود مخاطرات به سیستم آب و هوا جلوگیری می‌کند. هدف خاص در این جا، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به مقدار پنجاه و دو درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۰ در سطح جهان است (Grubb, 2016, 677). برای این منظور، میزان انتشار کلی شش گاز گلخانه‌ای زیر باید کاهش یابد: ^۱دی اکسید کربن، متان، اکسید نیتروژن، هگزا فلورید گوگرد، هیدروفلوروکربن و پرفلوروکربن. الف- تجارت انتشار: همه کشورهای تصویب‌کننده این پروتکل با میزان انتشار خاصی موافقت کرده‌اند، اما بسیاری از کشورها محدودیت انتشاری دارند که بالاتر از میزان تولید فعلی آن‌ها است. این دسته از کشورها می‌توانند این اعتبار اضافی را به کشورهایی که فراتر از حد مجاز رفته‌اند بفروشند. تجارت انتشار به کشورهایی که سطح انتشار هدف خود را برآورده می‌کنند پاداش می‌دهد و منافع مالی برای پایین بردن سطح انتشار فراهم می‌کند. کشورها می‌توانند اعتبار انتشار خود را از سه طریق کسب و تجارت کنند: مکانیسم توسعه پاک: این کشورها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی در کشورهای در حال توسعه، اعتبار کسب کنند. اجرای مشترک: این کشورها می‌توانند در پروژه‌هایی برای کمک به سایر کشورها در رسیدن به هدف انتشار گازهای گلخانه‌ای که توسط پروتکل تعیین شده است، سرمایه‌گذاری کنند. تجارت بین‌المللی انتشار گازهای گلخانه‌ای: خرید و فروش اعتبارات انتشار (بتسیل و کرل، ۱۳۹۶، ۱۲۰). ب- انتقاداتی به کیوتو: در این پروتکل ابراز شده است که کشورهای توسعه یافته باید برای انجام مطالعات و پروژه‌های مربوط به اقلیم تکنولوژی کاهش میزان انتشار را به کشورهای دیگر واگذار کنند. این خود انتقادی به پروتکل و دلیل اصلی مخالفت برخی کشورها است. برخی از کشورهایی که نسبت به گرم شدن کره زمین تردید دارند، این پروتکل را به عنوان یک برنامه تأخیر در رشد کشورهای توسعه یافته و انتقال ثروت به کشورهای توسعه نیافته تلقی می‌کنند. انتقاد اصلی دیگر این پروتکل این است که کشورهای در حال توسعه، مانند چین و هند، از الزامات این پروتکل معاف هستند زیرا در دوران صنعتی شدن عامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای نبودند (Grubb, 2016, 679). پ- مطالعه مورد کانادا: کانادا پروتکل کیوتو را در دسامبر ۲۰۰۲ تصویب کرد. در کانادا، حمایت هفتاد درصدی از این پروتکل از طرف مردم وجود دارد. با این حال، مخالفت‌ها بیشتر از طرف دولت آلبرتا، گروه‌های تجاری و دانشمندان غیردولتی در زمینه اقلیم نشأت گرفته است. این فرض وجود دارد که اگر دولت پروتکل‌ها را تصویب کند، از نظر اقتصاد و تجارت تأثیر بدی بر روی کشور خواهد داشت. قبل از سال ۲۰۰۲، دولت آلبرتا نگرانی‌های زیادی نسبت به این پروتکل داشته است، زیرا آن‌ها کشورهایی هستند که تولیدکنندگان اولیه نفت و گاز هستند و تحت تأثیر محدودیت‌های میزان انتشار قرار می‌گیرند (Hrvatın, 2016, 39).

1- Carbon dioxide (CO₂); Methane (CH₄); Nitrous oxide (N₂O); Hydrofluorocarbons (HFCs); Perfluorocarbons (PFCs); and Sulphur hexafluoride (SF₆).

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل را می‌توان درخت کهنسالی در نظر گرفت که هنوز شاخه‌های جدید تشکیل می‌دهد. یکی از این شاخه‌ها حقوق بین‌الملل محیط زیست است که با حقوق دریا و حتی با حقوق بشر قابل مقایسه است. تمام این شاخه‌ها ماهیت‌های متفاوتی دارند اما در عین حال عناصر کلی حقوق بین‌الملل عمومی را نیز در خود گنجانیده‌اند. یکی از اهداف اصلی حقوق بین‌الملل محیط زیست حفاظت از بخش‌های غیرانسانی دنیای طبیعی در کنار انسان‌ها است. این بخش‌ها شامل درختان، حیوانات، آب، جو و اکوسیستم‌های دیگری می‌شوند که تعدادی از این عناصر یا همه آن‌ها را در خود گنجانیده‌اند. این عناصر همچنین شامل آن قسمت‌هایی از دنیای طبیعی که دستخوش تغییرات انسانی شده‌اند نیز می‌شود. اگر چه این شاخه از حقوق با زندگی و سلامت بشریت در ارتباط است، هدف نهایی آن خارج از دنیای جوامع انسانی واقع شده است که نظام حقوقی را خلق کرده‌اند و هنجارهای آن را اجرایی کرده‌اند. دینفعان در هر قالبی و روابط آن‌ها با عناصر زیست محیطی می‌تواند نقش به‌سزایی در حفاظت از محیط زیست داشته باشند اما آن‌ها هدف مستقیم این حفاظت‌ها به حساب نمی‌آیند. این پژوهش اگر چه به نوعی مرور ادبیات حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده اما به نظر می‌رسد اشاره معنادار به چهارچوب توسعه ای آن ضرورتی بود که به آن پرداخته شد. حقوق بین‌الملل محیط زیست در مسیر توسعه خود هر روز، به روز می‌شود و نگرانی‌های جامعه جهانی در این خصوص تمامی ندارد. تغییر اقلیم، تهدید تنوع زیستی، فروسایی‌های محیطی، بیابان زایی، آلودگی‌های دریایی و... کماکان برقرار است و این توسعه می‌تواند ابزار کنترلی مهمی برای مهار سایر مخاطرات و تهدیدات حفاظت از محیط زیست باشد. در این راستا، حقوق بین‌الملل عمومی اهمیت حقوقی را برای ابزارهای مبتنی بر نوع معاهده در مقابل ابزار غیرالزام آور اختصاص می‌دهد. طبق این دوگانگی، از یک طرف، معاهدات بین‌المللی وجود دارد که تعهدات بین‌المللی (حقوق سخت) را تعیین می‌کند و از طرف دیگر، ابزارهای حقوقی غیرالزام آور وجود دارند که چنین تعهداتی (حقوق نرم) را تعیین نمی‌کنند. این تفاوت بین توافقنامه‌های الزام آور و غیرالزام آور، به این معنا نیست که معاهدات تنها مربوط به عملکرد حقوق بین‌الملل عمومی است. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل کلاسیک تمایز قاطعی بین ابزار الزام آور و یک ابزار غیرالزام آور ایجاد می‌کند. با این توصیف حقوق بین‌الملل محیط زیست با تبعیت از حقوق بین‌الملل عمومی، ساختارهای الزام را برای خود مهیا و نظر تابعان حقوق بین‌الملل را بیش از پیش به خود جلب می‌نماید.

منابع

فارسی

- بتسیل، میشل ام و کرل، الیزابت، ۱۳۹۶، **دیپلماسی سازمان‌های مردم نهاد؛ تاثیر سازمان‌های مردم نهاد بر مذاکرات بین‌المللی زیست محیطی**، ترجمه: سبحان طیبی و رضا عرب چادگانی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- تقوی، لعبت؛ دبیری، فرهاد؛ طیبی، سبحان، ۱۳۹۲، عدالت و حاکمیت راهبردهای اساسی نیل به پایداری محیط زیست (نگاه حقوقی ریو+۲۰ به توسعه پایدار)، **فصلنامه انسان و محیط زیست**، دوره یازدهم، شماره ۱.
- پورهایمی، عباس؛ طیبی، سبحان؛ طالع خرسند، هادی، ۱۳۹۷، طراز جهانی حقوق بین‌الملل محیط زیست: راهبردها و رهیافت‌ها، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، دوره پانزدهم، شماره ۲.
- پورهایمی، عباس و ارغند، بهاره، ۱۳۹۲، **حقوق بین‌الملل محیط زیست**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- پورهایمی، عباس و پرندۀ مطلق، اعظم، ۱۳۹۵، **حقوق بین‌الملل عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- طیبی، سبحان، ۱۳۹۶، **دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- ماهوتچیان، سروش و طیبی، سبحان، ۱۳۹۸، تبیین ابعاد حفاظت از محیط زیست در پرتو توسعه‌گرایی و همگرایی بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، دوره شانزدهم، شماره ۳.

لاتین

- Agenda 21, 1992, UN Sustainable development: United Nations Conference on Environment & Development, Rio De Janeiro, Brazil, 3 – 14 June.
- Antigua Convention, 2002, Convention for Cooperation in the Protection and Sustainable Development of the Marine and Coastal Environment of the Northeast Pacific.
- Albrecht, Eike, Terence Onang Egute, Emmanuel Wanki Ateghang, 2008, International Environmental Law. Power point presentation, Centre for Law and Administrative Sciences BTU Cottbus: Cottbus.
- Grubb, Michael, 2016, Full legal compliance with the Kyoto Protocol's first commitment period some lessons, Climate Policy Journal, Volume 16- Issue 6, <https://doi.org/10.1080/14693062.2016.1194005>,.
- Hrvatın, Vanessa, 2016, a brief history of Canada's climate change agreements, Canadian Geographic is a magazine of The Royal Canadian Geographical Society.
- Kiss, Alexandre & Dinah Shelton, 2007, Guide to International Environmental Law. Martinus Nijhoff Publishers: Leiden/Boston.
- Kurukulasuriya, Lal & Nicholas A. Robinson, 2006, Training Manual on International Environmental Law. United Nations Environment Programme: Earthprint.
- Negrin, Anna, Erin Bissonnette & Ludmilla Marengo, 2006, International Environmental Law. Paperpresentation, March.

- Panezi, Maria, 2007, Sources of Law in Transition; Revisiting General Principles of International Law. *Ancilla Iuris (anci.ch)*: 66.
- Scanlon, John & Francoise Buhenne - Guilmin, 2004, International Environmental Governance; an International Regime for Protected Areas. *IUCN Environmental Policy and Law Paper no. 49*.
- Weeramantry, Christopher & John Burroughs, 2005, International Law and Peace: A Peace Lesson. *Hague Appeal for Peace, Peace Lessons from Around the World*, July.
- Yang, Tseming & Robert V. Percival, 2009, the Emergence of Global Environmental Law. *Ecology Law Quarterly*, vol. 36.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی